پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۰ پاییز ۱۳۹۹

No.40 Fall 2020

۹۶-۷۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

بررسی نقش سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان و تأثیر آن بر اشتغال پایدار

➢ **مرتضی حقیقی:** دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (lashkari1383@chmail.ir)

➢ **مریم تقوایی*:** دانشیار، گروه مدیریت آموزشی عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

➢ **سعید صفاریان همدانی:** دانشیار، گروه مدیریت آموزشی عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (Saeeid.saffarian@iausari.ac.ir)

چکیده

امروزه توسعه ظرفیت‌های وقف از طریق سرمایه‌گذاری در زمینه کسب و کارهای دانش‌بنیان و نوآور به راهبردی جدید و مؤثر در حوزه کارآفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش بهره‌وری موقوفات بدل شده است. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان و تأثیر آن بر اشتغال پایدار به‌منظور ارائه مدل خواهد بود. روش تحقیق مبنی بر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. همچنین با توجه به روش انجام پژوهش، این بررسی از نوع آمیخته (کمی و کیفی)، محسوب می‌شود. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش خبرگان، متخصصین و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف علوم مدیریت، فقه و اقتصاد اسلامی و کارشناسان سازمان اوقاف و امور خیریه در سال‌های ۱۳۹۸ش و ۱۳۹۹ش در ایران است. شیوه نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و در دسترس است. جامعه آماری در بخش کمی جهت انتخاب آزمودنی‌ها به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای خواهد بود. تعداد خبرگان برای نظرخواهی در روش دلفی حداقل ۲۰ خبره خواهد بود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام خواهد پذیرفت. روش گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزارهایی چون پرسشنامه و مصاحبه با تأکید بر روش دلفی خواهد بود. تکنیک تحلیل اطلاعات و مدل‌سازی در این پژوهش دیمیتل است که برای شناسایی روابط علی معلولی مابین شاخص‌ها در موضوع سرمایه‌گذاری وقفی در حوزه‌های کسب و کارهای دانش‌بنیان و تولید یك مدل ساختاری ملموس بکار گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از میان عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و اشتغال پایدار، عوامل مدیریتی در درجه اهمیت بیشتری قرار دارد. پس از آن عوامل سیاسی - مربوطه به عوامل زمینه- مؤثرتر است و به دنبال آن سرمایه‌گذاری در کسب وکارهای دانش‌بنیان اثری نسبی در توسعه اشتغال پایدار دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری موقوفات، اقتصاد دانش‌بنیان، اشتغال پایدار

Abstract

Today, the development of endowment capacities through investment in knowledge-based and innovative businesses has become a new, and effective strategy entrepreneurship, job creation and increasing the productivity of endowments. Therefore, the purpose of this study is to investigate the role of endowment investment in knowledge-based businesses and its impact on sustainable employment to provide a model. The research method in terms of purpose is of the type of applied research. According to the research method, the present study is a mixed type (quantitative and qualitative). The statistical population in the qualitative section of the research is experts, specialists and pundits in various fields of management sciences, jurisprudence and Islamic economics and experts of the Endowment and Charity Organization in 1398 and 1399 in the country. The sampling method is purposeful and accessible. The statistical population will be in a small part to select the subjects by multi-stage cluster sampling method. The number of experts for polling in the Delphi method will be at least 20 experts, which will be done by purposeful sampling. The data collection method will be library and field using tools such as questionnaires and interviews emphasizing on the Delphi method. The technique of information analysis and modeling in this study will be Demitel, which has been used to identify the causal relationships between indicators in the subject of endowment investment in the fields of knowledge-based businesses and the production of a tangible structural model. The Findings of this study showed that among the factors affecting investment and sustainable employment, managerial factors are more important. Then there are the political factors relevant to the underlying factors; It is more effective, and consequently investing in knowledge-based businesses has a relative effect on the development of sustainable employment.

Keywords: Endowment investment, knowledge-based economy, sustainable employment

*نویسنده مسئول مکاتبات: (Maryamtaghvaee2017@gmail.com)

مقدمه

اهمیت دانش در ایجاد ارزش، ارتقاء بهره‌وری و ترویج رشد اقتصادی مدت‌های طولانی است که به اصلی شناخته‌شده در علم اقتصاد بدل شده است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳٤). علاوه بر این، به رسمیت شناختن نقش بی‌بدیل دانش در اقتصادهای امروز، نتیجه توجه بیشتر به فناوری اطلاعات، یادگیری و سرعت پیشرفت فنی و علمی است (Carayannis, 2018: 1). بر اساس توافقنامه لیسبون، اتحادیه اروپا اقتصاد مبتنی بر دانش را به‌عنوان یک هدف استراتژیک به‌منظور دستیابی به موقعیت رقابتی تعیین و در دستور کار اقتصادی خود قرار داده است. اگرچه این امر تبدیل به یک هدف ملی برای بسیاری از کشورها شده، بااین‌وجود، برخی هدف اصلی این نوع اقتصاد را «تولید ثروت و رشد اقتصادی» (jansson, 2010؛)، گروهی دانش علمی و تولید نوآوری (L Etzkowitz and Leydesdorff, 2006; Leydesdorff, 2000) و برخی نیز «توسعه انسانی و رشد اشتغال» (Van Oort, 2009) تلقی می‌کنند. به هر حال، اقتصاد دانش‌بنیان به اساسی قابل‌اتکا برای رشد و توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورها بدل شده است و به دنبال آن، افزایش اشتغال و جذب افراد به بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم آورده است. با وجود اهمیت دانش در نظام‌های مختلف اقتصادي، طبق آخرين آمار رسمي اعلام‌شده توسط بانك جهاني، رتبه ايران از لحاظ شاخص اقتصاد دانش‌بنیان در بين ۱۴۰ كشور جهان ۹۴ است (Noyma, 20155 به نقل از: پاداش و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۷۲). در این میان، وقف موسوم به بخش سوم اقتصاد- که در ایران اغلب با نام وقف و امور خیریه (به معنای اسلامی) شناخته می‌شود (نصرالهی و عبدلی- سبحانی، ۱۳۹۳: ۷٦) حوزه‌ای اثرگذار، اما مغفول است که با اقتصاد بخش سوم (دهش) دو نوع پیوند دارد. پیوند نخست مربوط به ظرفیت‌های کنونی این نهاد و پیوند دوم مربوط به ظرفیت‌های آتی و آینده‌نگرانه این نهاد است. در وضعیت کنونی، با وجود ثروت فراوان نهادهای وقفی به نسبت سرمایۀ مولد کشور، درآمدهای ناشی از ثروت این نهادها به حدی اندک است که حتی به یک درصد تولید ملی هم نمی‌رسد. این در حالی است که سهم اقتصاد دهش در تولید ملی کشورهای پیشرفته حدود دو درصد است. ظرفیت‌های آتی یا آینده‌نگرانه اثر قابل‌ملاحظه‌ای در نظام اقتصادی سالم خواهد داشت؛ نظامی که از ابتدا تمام بخش‌های اول، دوم و سوم در جای خود قرارگرفته باشند و به‌تناسب پیشرفت جامعه این بخش‌ها نیز رشد نظام‌مند داشته باشند. در این حالت اقتصاد وقف که شامل موقوفات عام دینی و دنیوی، بنیادهای وقفی کوچک و متوسط و بزرگ، بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری است، به‌منزله بخش عمده‌ای از اقتصاد دهش، در خدمت امور عام‌المنفعه خواهد بود (جهانیان، ۱۳۹۵: ۱۰۰). از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا از طریق بررسی و پیوند ظرفیت‌های موجود در نهاد وقف با تأکید بر سازمان اوقاف و امور خیریه با حوزه سرمایه‌گذاری در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان، یک مدل نهادی کارا و مؤثر ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

سرمایه‌گذاری موقوفات در زمینه کسب و کارهای دانش‌بنیان، موضوع نوظهوری در ادبیات اقتصادی ایران و همچنین مدیریت و بهره‌برداری از موقوفات است و پژوهش‌ها و مطالعات اندکی در این خصوص انجام یافته و در مواردی به‌صورت مجزا به مقوله وقف و یا اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته شده است. ازجمله پژوهش‌های مرتبط که نقش علم و فناوری را در ارتقا بهره‌وری اقتصادی موقوفات موردبررسی قرار داده می‌توان به پژوهش طاهری دمنه و حیدری دارانی تحت عنوان *تأملی در نقش و جایگاه وقف و نیکوکاری در علم و فناوری* اشاره کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می دهد که سوق دادن امور خیر به سمت توسعه علم و فناوری، به‌خصوص در حوزه رشد شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب و کارهای نوپا (استارت آپ‌ها)، به ارزش‌افزوده چندین برابری برای کل جامعه منجر می‌شود. خلجی نیز در پژوهشی با عنوان *نقش و تأثیر وقف در ایجاد زمینه‌های اشتغال و کارآفرینی با رویکرد قرآن و روایات* از منظر اسناد و مدارک نقلی و فقهی به موضوع اشتغال‌زایی در بستر موقوفات پرداخته است. محقق در پژوهش خود این‌گونه استنباط می‌کند که واژه وقف در کلام الهی نیست، اما عبارات و واژه‌های متعددی در ارتباط با وقف یافت شده است، مانند خیرات، صدقات، باقیات‌الصالحات، زکات،

بِرّ، انفاق و غیره. لزوم کار و اشتغال و کارآفرینی در قرآن کریم، با تکیه‌بر آیات متعدد قابل‌برداشت است و در روایات نیز فرایند اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی فراوان دیده می‌شود. او این‌گونه نتیجه می‌گیرد که وقف می‌تواند در زمینه‌های متعدد همچون وقف در تأمین سرمایه، حمایت از سرمایه‌گذاری، مهارت‌آموزی، تأمین مکان و فضای کسب و کار، تسهیل امور اشتغال‌زا، ایجاد روش‌های اشتغال‌زا و کارآفرینی، نهادینه‌سازی فرهنگ متعالی کار، کمک به حل مشکلات توزیع و مصرف، تولید علم و فناوری، تولید ملی، توزیع عادلانه‌ی ثروت و در بخش‌های کشاورزی و حوزه عمران و ساختمان‌سازی تأثیر بسزایی داشته باشد. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری موقوفات در بستر کسب و کارهای نوین می‌توان به پژوهش رضایی با عنوان *تبیین ارتباط اوراق وقف جمعی با اقتصاد ایران (اولویت پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه)* اشاره کرد. اگرچه محقق در این پژوهش به موضوع اقتصاد دانش‌بنیان و استفاده از ظرفیت وقف اشاره نکرده است، اما هدف اصلی پژوهش را بررسی ارتباط اوراق وقف جمعی با شاخص‌های کلان اقتصادی ایران قرار می‌دهد. برای دستیابی به این هدف پرسشنامه‌ای شانزده گویه‌ای در رابطه با پنج متغیر کلان اقتصادی شامل رشد اقتصادی، بیکاری، تورم، سرمایه‌گذاری و نقدینگی توسط پژوهشگر طراحی و توسط خبرگان تکمیل می‌گردد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که اوراق وقف می‌تواند بهبود اقتصادی را در متغیرهای رشد اقتصادی، بیکاری، تورم، سرمایه‌گذاری و نقدینگی در پی داشته باشد. سیدحسینی نیز در پژوهشی با عنوان *بررسی وقف پول و آثار اقتصادی آن با تأکید بر فقر و اشتغال* نشان می‌دهد که وقف پول قابل‌اجرا است و با موازین شرعی منافات ندارد و اگر در حوزۀ اقتصاد اسلامی، وقف پول به‌عنوان یک ابزار مالی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افزایش سرمایه‌گذاری در قالب انواع عقود اسلامی و قانونی تلقی و موجب گسترش اشتغال در جامعه شود. همچنین صرف سود حاصل از سرمایه‌گذاری در برنامه‌های کاهش فقر می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر در جامعه داشته باشد. از معدود پژوهش‌هایی که موضوع اقتصاد وقف در بستر فعالیت‌های دانش‌بنیان را موردمطالعه قرار داده است می‌توان به پژوهش میرهاشمی و سرهنگیان تحت عنوان *امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری‌سازی دانش و فناوری و الگوی پیشنهادی آن* اشاره داشت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف با پیشرفت‌های علمی روز را می‌توان در استفاده از وقف در جهت تجاری‌سازی دانش و فناوری معرفی نمود. اقتصاد دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری در این حوزه، ازجمله حوزه‌های مطالعاتی است که با وجود جدید بودن، پژوهش‌های قابل‌توجهی بر روی آن انجام شده است. پژوهش شنابی و همکاران با عنوان *ارائه مدل نوآوری در محصول مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان با استفاده از روش نگاشت شناختی فازی* که بر روی شرکت دانش‌بنیان الکتریک رایان صورت گرفته است و یا پژوهش طاهرخانی و همکاران که در پژوهشی با عنوان *ارائه مدلی برای ارزش‌گذاری شرکت‌های فین تک در ایران* الگویی برای ارزش‌گذاری شرکت‌های استارت‌آپی دانش‌بنیان از نوع فین تک پیشنهاد کرده‌اند و یا پژوهش حیدری سورشجانی و همکاران با عنوان *ارائه الگویی برای کاهش مسئله کارگزاری در سرمایه‌گذاری خطرپذیر با توجه به رشد شرکت‌های دانش‌بنیان* و نیز پژوهش کوهی و همکاران با عنوان *سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر با استفاده از تحلیل ریسک و تحلیل پوششی داده‌ها در شرکت‌های دانش‌بنیان* به مسئله سرمایه‌گذاری خطرپذیری در شرکت‌های دانش‌بنیان پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های غیر ایرانی توجه به ظرفیت‌های وقف و بهره‌گیری از آن در توسعه اقتصادی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ازجمله تحقیقات متأخر در این زمینه می‌توان به پژوهش یانگ و ژو[1] (۲۰۱۹) تحت عنوان *اراضی موقوفات و رفتارهای سرمایه‌گذاری در امر آموزش و پرورش خانوارهای روستایی در ۳۱ استان چین*[2] اشاره کرد. یافته‌ها نشان داد که

1 .Yang & Xu

2 . Land endowment and education investment behavior of rural households: a field survey based on 887 administrative villages in 31 provinces of China

موقوفات اراضی از دو طریق ایجاد درآمد و جایگزینی بر تصمیمات آموزش و پرورش خانوارهای روستایی تأثیر می‌گذارند، به‌طوری‌که در بیشتر خانوارهای روستایی، تأثیر جایگزینی موقوفه بر سرمایه‌گذاری آموزشی حاکم است. از سویی، تأثیر اندازه زمین خانگی و سطح تحصیلات نیروی کار بر درآمد خانوار روستایی معنی‌دار است. یعنی، فقط وقتی‌که لگاریتم اندازه زمین خانگی بالاتر از متوسط (نقطه برش) ۲/۰۱٤، باشد، می‌تواند وقف زمین شود و سرمایه‌گذاری آموزشی به‌طور مؤثر اختصاص یابد و درآمد خانوار روستایی را افزایش دهد. همچنین اراگون و همکاران[1] (۲۰۱۹)در پژوهشی تحت عنوان *سرمایه‌گذاری‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی: هزینه‌ها و مزایای صندوق‌های موقوفات دانشگاه*[2] نشان دادند سیاست‌های سرمایه‌گذاری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی با کمک‌های خیرخواهانه بیشتری برای دانشگاه به‌ویژه از طرف اهداکنندگان خارج از صنایع انرژی، دخانیات و غیره، همراه است. همچنین، سیاست‌های سرمایه‌گذاری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، با احتمال بالاتری هزینه‌های مدیریت صندوق‌های موقوفات دانشگاه و نوسانات بازده را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، سیاست‌های سرمایه‌گذاری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک‌های مالی بیشتری جذب می‌کند، اما عملکرد صندوق‌های موقوفات دانشگاه را کاهش می‌دهد. بررسی اجمالی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در ایران با وجود ظرفیت قابل‌توجه حوزه موقوفات و گردش مالی هنگفت در این حوزه، هنوز اقتصاد دانش‌بنیان، جایگاه مناسبی ندارد و استفاده از روش‌ها و شیوه‌های سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان، استارتاپی و فین‌تکها هنوز موردتوجه مدیران این دو بخش قرار نگرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر در نظر دارد تا از طریق برقراری ارتباط میان دو حوزه سرمایه‌گذاری موقوفات و اقتصاد و کسب و کارهای دانش‌بنیان با تأکید بر خراسان رضوی، به ارائه یک مدل سرمایه‌گذاری اقدام کند.

روش پژوهش

این پژوهش به بررسی تأثیر نقش سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان و تأثیر آن بر اشتغال پایدار به‌منظور ارائه مدل می‌پردازد. از این‌رو می‌توان پژوهش حاضر را از نظر هدف، از نوع کاربردی دانست. همچنین با توجه به روش انجام، این پژوهش از نوع آمخیته (کمی و کیفی)، محسوب می‌شود. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش خبرگان، متخصصین و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف علوم مدیریت، فقه و اقتصاد اسلامی و کارشناسان سازمان اوقاف و امور خیریه در سال‌های ۱۳۹۸ش و ۱۳۹۹ش در کشور است. در این مرحله، تعداد نمونه خاصی در ابتدا مشخص نمی‌شود و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و در دسترس آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند تا اشباع نظری حاصل گردد. جامعه آماری در بخش کمی جهت انتخاب آزمودنی‌ها نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده خواهد شد (تقسیم‌بندی کشور به حداقل پنج منطقه مرکز، شمال، جنوب، غرب و شرق و انتخاب تصادفی استان‌ها، شهرستان‌ها، شهرها و غیره). بر این اساس پنج منطقه از استان‌های مختلف انتخاب شدند. مطابق نظر تورونتو[3] (۲۰۱۷) تعداد خبرگان برای نظرخواهی در روش دلفی حداقل ۲۰ خبره، در نظر گرفته می‌شود که در این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام خواهد پذیرفت. روش گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزارهایی چون پرسشنامه و مصاحبه با تأکید بر روش دلفی خواهد بود (تصویر ۱).

تکنیک مورد استفاده در این پژوهش برای تحلیل اطلاعات، تکنیک طیف پنج درجه دیمتل[4] خواهد بود که برای تعیین روابط متقابل متغیرها به‌عنوان ورودی، نیاز به ماتریس مقایسات زوجی وجود دارد. این مقایسات زوجی از طریق تدوین و تنظیم پرسشنامه و با استفاده از نظرات خبرگان امر، به دست می‌آید. در پرسشنامه موردنظر باید تمام متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی با هم مقایسه شده و روابط متقابل تمامی آن‌ها به‌صورت دو به دو توسط خبره تعیین گردد.

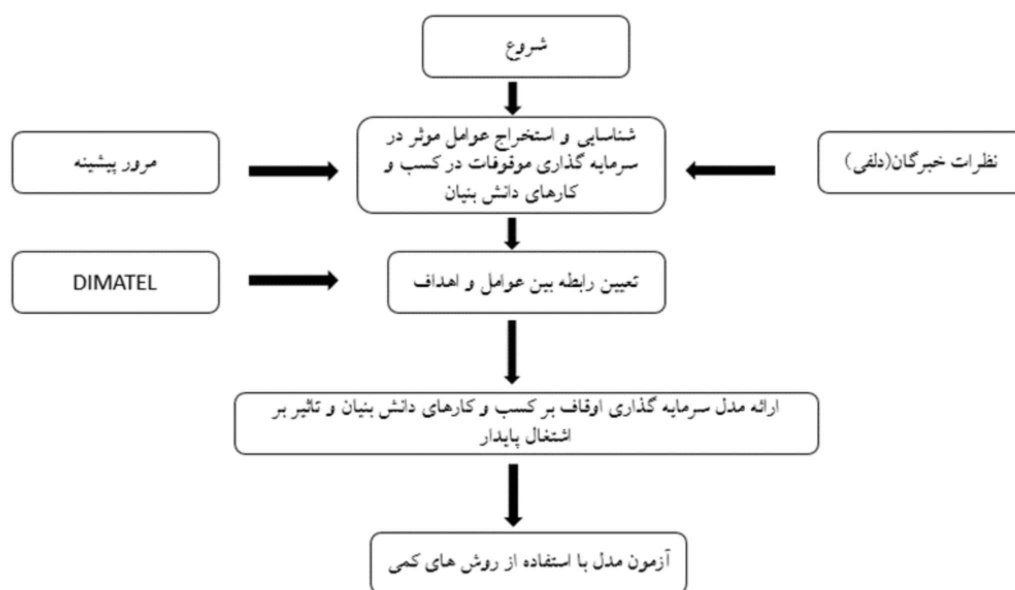
1 .Aragon et al.

2 . Socially Responsible Investments: Costs and Benefits for University Endowment Funds

3 .Toronto

4 .Dematel

تصویر ۱: فرایند روش‌شناسی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)



وقف و اقتصاد دانش‌بنیان

جایگاه امر خیر در اقتصاد

اصطلاح بخش سوم اقتصاد یا فعالیت‌های داوطلبانه اقتصادی از دهه ۱۳۷۰م به بعد رایج و به بخش غیرانتفاعی اجتماعی شد (Lyons, 2001: 12). بخش غیرانتفاعی به‌طورکلی به حوزه‌های بدون پرداخت سود به صاحبان یا سرمایه‌گذاران اشاره می‌کند. خیرخواهی منبع مهمی برای حمایت از بخش غیرانتفاعی است (Cheek te al, 2015: 364). اقتصاد دهش یکی از زیرمجموعه‌های اقتصاد بخش سوم است که تبیین آن و تعیین نسبت آن با نهاد وقف به شناخت این اقتصاد کمک می‌کند (جهانیان، ۱۳۹۵: ۹۳). اعطای فزونی ثروت و وقت یکی از مهم‌ترین بعدهای اقتصاد بخش سوم است که در ادبیات اقتصادی بخش سوم از آن با عنوان «اقتصاد دهش» یاد می‌کنند. سه مجموعه از افراد در بازار برای دهش خیرخواهانه حضور و فعالیت دارند و درک هریک از آن‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر برای درک اقتصاد دهش ضروری است. گروه اول اهداکنندگان یا عرضه‌کنندگان پول و وقت هستند که پول و وقت خود را داوطلبانه به مؤسسات خیریه عرضه می‌کنند. گروه دوم سازمان‌های خیریه هستند که عرضه‌کنندگان (اهداکنندگان) را با راهبردهای جمع‌آوری کالاها و خدمات خیریه سازماندهی می‌کنند و عامل سوم دولت‌ها هستند.

دولت‌ها به چند روش با سازمان‌های خیریه مشارکت مالیاتی دارند. در بسیاری از کشورها، مانند ایالات‌متحده، مؤدیان فردی می‌توانند بخشش‌های خیرخواهانه را از درآمد مشمول مالیاتشان کسر کنند. دولت‌ها نیز کمک بلاعوض مستقیم می‌کنند (Andreoni, 2007: 1).

وقف‌عام زیرمجموعه اقتصاد دهش است و پیوند تنگاتنگی با اقتصاد دارد. در اکثر کشورهای توسعه‌یافته بخش سوم بخشی بسیار مهم تلقی می‌شود و اغلب به فعالیت‌هایی می‌پردازد که دولت‌ها تمایل و توانی برای انجام آن‌ها ندارند و بخش خصوصی نیز انگیزهٔ لازم برای ورود به حیطه این‌گونه فعالیت‌ها را ندارد. امروزه در این کشورها، با زمینه‌سازی‌های بلندمدت و اصلاح ساختارهای اقتصادی، بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی به‌وسیله بخش سوم انجام می‌شود که همان بخش وقف و امور خیریه یا به عبارت کلی‌تر بخش غیرانتفاعی است. برای مثال، در کشور آمریکا در ۲۰۰۷م بیش از ٦/٦ درصد کل تولید ناخالص داخلی متعلق به بخش سوم اقتصاد بوده است. در همان سال، تولید ناخالص داخلی آمریکا بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول سهم مربوط به بخش سوم اقتصاد حدود ۹۲۹ میلیارد دلار برآورد شده است. بر اساس همان منبع، در همان سال، کل تولید ناخالص ایران ۳۰۷ میلیارد دلار بوده است. این اعداد نشان از آن داخلی دارد که بخش

سوم اقتصاد تا چه حد امکان گسترش دارد و اثبات می‌کند که توسعه اقتصادی از راه بخش سوم نیز امکان‌پذیر است (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ٦٨). در ۲۰۱۳م تعداد ۱/٤۱ میلیون سازمان غیرانتفاعی در سرویس درآمد داخلی آمریکا ثبت شده است که به نسبت ۲۰۰۳م، ۲/۸ درصد افزایش یافته است. بخش غیرانتفاعی در ۲۰۱۳م حدود ۹۰۵/۹ میلیارد دلار به اقتصاد ایالات‌متحده کمک کرده‌اند که ٥/٤ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. حوزۀ فعالیت سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه دامنه متنوعی از هنر، سلامت، آموزش، خدمات انسانی و غیره در بر داشته است (McKeever, 2015: 1). در ۲۰۱۵م نیروی کار شاغل در بخش سوم اقتصاد ۱۱/۹ درصد از کل شاغلین آمریکا بوده که در رتبه سوم (در میان حدود چهارده عنوان حوزه شغلی) پس از شاغلان در تجارت خرد و تولید قرار گرفته است (Salamon, 2018: 23). داده‌های مربوط به بخش سوم اقتصاد فقط توسط تعداد محدودی از کشورها ارائه شده است. در ایران، این آمار به‌صورت متمرکز وجود ندارد. در سیزده کشوری که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، به‌طور متوسط ٤/٧ درصد از کل نیروی کار سهم اشتغال در بخش سوم است. این میزان بیش از سهم اشتغال در بخش‌های مهمی همچون حمل و نقل و امور مالی است (Ibid: 45).

همچنین در ۲۰۱۳م در پانزده کشوری که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، ٤/٥ درصد از تولید ناخالص داخلی به مؤسسات غیرانتفاعی اختصاص دارد. این تقریباً معادل با سهم تولید ناخالص داخلی بخش صنعت ساخت و ساز در این کشورها است. بخش سوم اقتصاد در کشورهای کانادا، موزامبیک، آمریکا، بلژیک، نیوزلند و ژاپن و حتی دولت اسرائیل به ترتیب بیشترین سهم تولید ناخالص داخلی (بیش از ٥ درصد) را در میان این پانزده کشور به خود اختصاص داده است (Salamon et al, 2013: 3). بنابراین، اهمیت ویژه بخش سوم اقتصاد زمانی روشن می‌شود که اثر آن بر شاخص‌های اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی تحلیل شود. اثر مستقیم توسعه این بخش شاخص توسعه انسانی بر رشد تولید و نیز اثر افزایش سهم این بخش در اقتصاد بر ارتقای شاخص توسعه انسانی به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه با سطح پایین‌تر به‌مراتب بیشتر و نمایان‌تر است (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۸٤). یکی از شاخص‌هایی که برای سنجش حجم بخش سوم اقتصاد در کشورها استفاده می‌شود، سهم نیروی کار این بخش از کل نیروی کار شاغل در اقتصاد ملی است. طبق گزارش مرکز جامعه مدنی هاپکینز پس از ۲۰۰٤م در هلند ۱٤/٤ درصد از کل نیروی کار، در بلژیک و ایرلند حدود ۱۰ درصد و در آمریکا و انگلیس به ترتیب ۹/۸ درصد و ۸/٥ درصد از جمعیت فعال در بخش سوم اقتصاد مشغول به کار هستند و به نسبت جمعیت خود بار بزرگی را از دوش دو بخش دیگر اقتصاد برداشته‌اند (Salamon et al, 2004: 6). فعالیت بخش سوم اقتصاد، از طریق توسعه سرمایه اجتماعی (با عناصری همچون اعتماد، مشارکت و همدلی) و مردم محور بودن فعالیت‌های این بخش، غیرمستقیم به توسعه اشتغال و تولید منجر شده است. در انجام فعالیت‌های اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین و چالش‌برانگیزترین بخش‌ها تأمین مالی است و صاحبان ایده و نوآوری در تجارب ابتدایی خود تمایل به سرمایه‌گذاری کم‌خطر دارند. تأمین سرمایه لازم برای این شرکت‌ها و کسب و کارهای نوپا و کارآفرینی که مستعد جهش و رشد ارزش و ریسک فراوان است، سرمایه‌گذاری پرخطر نامیده می‌شود. ورود بخش سوم اقتصاد به تأمین مالی طرح‌ها و ایده‌های نو، به‌صورت خطرپذیر، در بسیاری از کشورهای دنیا به این علل آغاز شده است: ۱. توجه به توسعه اشتغال و کارآفرینی به‌جای سود اقتصادی صرف. ۲. ورود به بخش‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در توسعه و به‌روزرسانی کالاهای عمومی. ۳. بحران‌های بیکاری و رکود و لزوم همکاری همه بخش‌ها برای خروج از بحران. ٤. توسعه نیافتن بخش خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر. در حال حاضر، تمامی موارد مذکور در وضعیت موجود اقتصاد ایران صدق می‌کند؛ لذا فعالیت بخش سوم و نهادهای وقف و خیریه ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. توسعه کارآفرینی اجتماعی از دیگر آثار بخش سوم اقتصاد است. کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که با تشخیص مشکلات اجتماع، از دانش کارآفرینی برای سازماندهی، ایجاد و مدیریت سرمایه در رفع نیاز مربوط استفاده می‌کنند،

درحالی‌که کارآفرینان تجاری، به بررسی بازدهی و سود بازگشتی می‌پردازند. کارآفرینان معمولاً گروه‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی بخش سومی اجتماعی معمول هستند. همچنین بخش سوم می‌تواند با حمایت از توسعه فناوری‌های کاربر (فناوری‌هایی که بیشتر به نیروی کار نیاز دارند) به توسعه اشتغال کمک کند (حیدری و درخشان، ۱۳۹۵: ۶-۸).

جایگاه وقف در اقتصاد

مراد از امور خیریه، کارهایی است که طی آن نفعی به غیر می‌رسد. در ابواب فقهی موضوعاتی مانند هبه، وصیت، صدقه، نذر، حبس، سکنی و غیره از این دسته‌اند. در وقف، خیرین امکان تأسیس نهادی را دارند که برای همیشه مستقل از مالک به حیات اقتصادی و انتفاعی خود ادامه می‌دهد؛ ولی در سایر امور خیریه، مالی به غیر منتقل می‌شود و درنهایت به مصرف می‌رسد (لطیفی و دیگران به نقل از: شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱: ۸). خیرخواهی در معنای وسیع‌تر نیز شامل فعالیت‌هایی در بخش سوم است که خود وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه اجتماعی است (Salamon et al, 2010: 6). اهداکنندگان به‌این‌علت که هنگام انجام رفتار خیرخواهانه، قائل به گرفتن بهترین تصمیم در مناسب‌ترین زمان هستند، احساس رضایت درونی می‌کنند (Andreoni, 2015: 358). احساس رضایت درونی بخشی از توسعه سرمایه اجتماعی است. تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر کاربرد منابع، از بهره‌برداری فردی به بهره‌مندی اجتماعی، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده بیان کرد که از خدمات یا منافع آن افراد زیادی بهره می‌گیرند. ازاین‌رو توسعه وقف، از یک‌طرف موجب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف می‌شود و از طرف دیگر این پس‌اندازها درنهایت به سرمایه تبدیل خواهد شد؛ سرمایه‌ای که مولد کالاهای خصوصی یا خدمات اجتماعی در حال و آینده خواهد بود و درنتیجه زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی را فراهم خواهد آورد. همچنین نهاد وقف، به سبب ماهیت نیکوکارانه‌اش، موجب تقویت بنیادهای اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه می‌شود که درنهایت به ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد منجر خواهد شد (مصباحی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹). در اسلام یکی از راه‌های تحقق بخشیدن به اهداف خیرخواهانه وقف است.

نهادی که گسترش آن از یک‌سو سبب تعدیل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب برطرف شدن نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه می‌شود. می‌توان ادعا کرد سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف بلند انسانی است که در طول تاریخ، با توجه به سطح زندگی مردم، در رشد فرهنگ و دانش بشری تأثیر بسیاری داشته است؛ زیرا وقف سابقه دیرینه در تاریخ تمدن بشر دارد و فقط به اسلام و فقه و حقوق کشورهای اسلامی و ایران تعلق ندارد، بلکه نهادهای مشابه آن در تمام ادیان و حقوق سایر کشورها وجود دارد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ٦٤). یکی از ویژگی‌های وقف خودگردانی و خوداتکایی آن است؛ چراکه اداره موقوفات بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای به دولت امکان‌پذیر است و احیا و بهره‌وری موقوفات از طریق خودشان (با توسعه راه‌ها، پل‌ها و کاروانسراها و حفظ و نگهداری مساجد و مدارس علمی) انجام‌شدنی است (کائینی، ۱۳۹۱: ۷۸). در خلال قرون و اعصار شکوفایی تمدن اسلامی، همواره وقف بسیاری از نیازهای خاص جامعه را تأمین می‌کرده است و ارائه برخی کالاها و خدمات که در اقتصاد مدرن کالاهای عمومی نامیده می‌شوند تا مدت‌ها بر عهده واقفان و از طریق موقوفات بود؛ قبل از اینکه ارائه آن‌ها را دولت‌ها بر عهده گیرند. نمونه‌هایی مانند کاروانسراها، آب‌انبارها، بیمارستان‌ها، حوزه‌های علوم دینی و غیره شواهدی بر این مدعا است. به‌عبارت‌دیگر، وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش عمده‌ای از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آن به کار بست. امروزه این نهاد، با وجود قدمت بسیار زیاد و ارائه خدمات فراوان، آن‌طور که شایسته است مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و نقش آن در ابعاد گوناگون حیات اقتصادی و فرهنگی جامعه تا حدودی کمرنگ شده است. لذا بسیاری از وظایفی که روزگاری بدون دخالت دولت و از طریق نهاد وقف و امور خیریه (بخش سوم) داوطلبانه انجام می‌گرفت، امروزه به‌ناچار و البته به‌صورت کامل بر عهدهٔ دولت‌ها است تا از منابع حاصل از فروش ثروت‌های عمومی اشاره شد، در دیگر تأمین مالی و انجام شوند. همان‌طور که اغلب کشورهای دنیا بخش سوم اقتصاد یکی از سه موتور محرکه برای توسعه تولید و اشتغال است و دولت‌ها بر

ظرفیت‌های بخش سوم و فعالیت‌های نیکوکارانه در دوران رکود و بیکاری حساب ویژه‌ای باز می‌کنند. اهمیت این بخش برای ترمیم اقتصادی در شرایط رکود حتی بیشتر از دو بخش دیگر خواهد شد، زیرا زمانی که بخش خصوصی (انتفاعی) به سبب فضای اقتصادی دچار رکود می‌شود و دولت به علت کاهش درآمدها (هم درآمدهای نفتی و هم درآمدهای مالیاتی) دچار کسری مالی می‌شود، تنها امید برای حل مشکلات بیکاری و رکود بخش سوم خواهد بود (حیدری و درخشان، ۱۳۹۵: ۲-۱). وقتی دولت توان حمایت مالی از شرکت‌های دانش‌بنیان را نداشته باشد و خیرین آگاه شوند که کمک آن‌ها، در قالب‌های گوناگون ازجمله وقف، موجب شکوفایی اقتصاد دانش‌بنیان و ایجاد اشتغال جوانان تحصیل‌کرده و بااستعداد می‌شود، بخش سوم به بهترین شکل ممکن به اقتصاد درونزا و تاب آور تبدیل خواهد شد (طاهری‌دمنه و حیدری، ۱۳۹۷: ۴۲).

جایگاه وقف در اقتصاد معاصر ایران

بر اساس گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه در ۱۳۹۵ش، وضعیت موقوفات و رقبات موجود در کشور بدین شرح است: مجموع موقوفات حدود ۱۷۰ هزار است که به ترتیب ۴۸ درصد عرصه مسکونی، ۴۶ درصد کشاورزی، ۵ درصد تجاری و یک درصد باقیمانده نیز متفرقه و در اجارۀ مستأجران است و مستأجران، برابر نظر کارشناس، سالیانه اجاره‌بهای آن را پرداخت می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش‌های مالی سازمان، مجموع درآمد موقوفات در ۱۳٦۳ش حدود ۲ میلیارد ریال بوده و در ۱۳۸۳ش مبلغ ۳٦۱ میلیارد ریال گزارش شده است. بنابراین متوسط رشد درآمد در دو دهه حدود ۱۸ هزار درصد بوده است. بر مبنای گزارش دیگر، درآمد بقاع متبرکه (اعم از املاک، نذورات، هدایا و غیره) در ۱۳٦۰ش که با اوقاف مرتبط بودند حدود یک میلیارد ریال و در ۱۳۸۲ش حدود ۲۲۲ میلیارد ریال بوده که بیشترین مبلغ از نذورات و هدایا جمع‌آوری شده است (همان، ۳۹).

از این درآمد، بیشترین مقدار صرف عمران و آبادانی امامزاده‌ها و بخشی نیز صرف امور فرهنگی و پرسنلی شده است. وضعیت موقوفات و رقبات موجود در کشور تا ۱۳۹۵ش، بر اساس گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه، در جدول ۱ آمده است (دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق وقف علم و فناوری، ۱۳۹۵: ٦۲-٦۱). با وجود این ظرفیت بالا و با توجه به واقعیت اقتصاد ایران، در حال حاضر وقف در کشور دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و مؤثری را ندارد که در تاریخ اسلام و ایران (به‌خصوص در برخی دوره‌ها) برای حل مشکلات اقتصادی داشت. مسلماً از علل مهم این واقعیت، ادارۀ سنتی و غیرعلمی دارایی‌های وقف‌شده و استفاده نکردن از ظرفیت‌های بالقوۀ این نهاد تاریخی در جهت تأمین اهداف اجتماعی است. ازاین‌رو ضروری به نظر می‌رسد از ویژگی‌های مناسب نهاد وقف استفاده شود و با به‌کارگیری تجارب بین‌المللی، الگویی کارا برای بازسازی نقش نهاد وقف در اقتصاد جامعه اسلامی ارائه شود (مصباحی‌قدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۱). به نظر می‌رسد ساحت علم و فناوری یکی از عرصه‌های جدید و ضروری برای ورود واقفان است. در طول تاریخ اسلام اغلب این‌گونه بوده که نیکوکاران بخشی از اموال و مستغلات خود را با اهداف خیرخواهانه، متناسب با نیاز زمانه، وقف می‌کرده‌اند. تأسیس بیمارستان‌ها، مدارس علمی، مراکز فرهنگی و مساجد بر اساس وقف بیانگر این ادعاست. با گذشت زمان و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جامعه نیز تغییر کرده و رفع آن‌ها با روش‌های سنتی گذشته دشوار یا غیرممکن است و در شأن و متناسب با جامعه امروزی نیست و نه‌تنها گاهی کارایی لازم را ندارد، بلکه حس خیرخواهی واقف را نیز ارضا نمی‌کند (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ۹۳-۷۸).

یکی از جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف و پیشرفت‌های علمی روز این است که بتوان استفاده از وقف را در مسیر تجاری‌سازی دانش و فناوری قرار داد، یعنی علاوه بر شیوه‌های سنتی وقف، همچون وقف املاک برای کلاس درس، مدرسه و دانشگاه یا برای پرداخت شهریه طلاب و دانشجویان و مخارج تحصیل آن‌ها از منافع املاک و وقف، گامی نو با هدف ارتقای دانش بشر و جامعه تعریف و ترویج شود تا چرخه تولید دانش و فناوری با کمک وقف تکمیل شود و به ظهور و بروز کامل برسد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ٦۵). تجاری‌سازی به معنای تبدیل نتایج پژوهش به فراورده‌ها، خدمات و فرایندهایی است که موضوع معاملات

تجاری قرار خواهند گرفت و بر کاربردی کردن نتایج پژوهش و ارزش‌آفرینی اقتصادی آن‌ها تأکید دارد. به عبارت ساده، تجاری‌سازی فرایند تبدیل فناوری‌های جدید به محصولات موفق تجاری است (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). درواقع، تجاری‌سازی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که می‌تواند به این اهداف منجر شود: کسب و تملک ایده‌های تجاری‌سازی فناوری، به مرحله رشد رساندن آن‌ها با دانش مکمل، توسعه فناوری‌های نوین، ساخت نمونه اولیه با استفاده از فناوری‌های جدید، توسعه فرایند ساخت و تولید کالاهای قابل‌فروش جدید، عرضه محصول به بازار و فراهم کردن موقعیت فروش و زیرساخت‌های جدید (یداللهی‌فارسی و کلاتهایی، ۱۳۹۱: ۲۷). عرضه محصولات فناورانه و دانش‌بنیان و تجاری‌سازی آن مهم‌ترین عامل موفقیت در دنیای کسب وکار است. تجاری‌سازی فناوری، حلقه اتصال فناوری و بازار است و تمرکز آن بر حلقه‌های انتهایی زنجیرۀ ارزش است (ثقفی و افتخاری، ۱۳۹۶: ۱۶).

نگاه به عملکرد کشور در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که با وجود فراهم ساختن برخی زیرساخت‌های موردنیاز برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، همچون نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده، ارتقا و تجهیز زیرساخت‌های آزمایشگاهی و نیز پیشرفت‌های چشمگیر علمی در حوزۀ کسب و کارهای دانش‌بنیان، در کسب ثروت از طریق فعالیت‌های دانشی موفقیتی درخور توجه کسب نشده است (نریمانی، ۱۳۹۶: ۱۲). وقف با هدف تجاری‌سازی دانش و فناوری می‌تواند در چارچوب و ضوابط شرعی و قانونی وقف در اسلام و حقوق مدنی ایران قرار گیرد و منطبق با ملاک‌ها و شرایط صحت عقد وقف در شرع و قانون منعقد شود. درواقع، عقد وقفی که به‌منظور تجاری‌سازی دانش و فناوری منعقد شده باشد، در صورت عدم نقض مسائلی که رعایت آن در شرع و قانون الزامی است، هیچ منافاتی با هیچ‌یک از شرایط اساسی صحت وقف در فقه شیعه ندارد. (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ۸۰).

استخراج و تبیین گزینه‌های پیشنهادی

در این مرحله بر اساس اصول کلی، چارچوبی برای کسب نظر خبرگان طراحی شد. در اولین راند دلفی از خبرگان خواسته شد گزاره‌هایی که می‌تواند در خصوص سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان و همچنین گزاره‌های مؤثر بر توسعه اشتغال پایدار اهمیت داشته باشد را بیان کنند. پس از دریافت پاسخ و بررسی دیدگاه‌های خبرگان، پیشنهادهای مشابه یا نزدیک به هم در یکدیگر ادغام و پرسشنامه دور دوم دلفی به‌صورت ساختارمند و با طیف لیکرت پنج‌تایی در اختیار خبرگان قرار گرفت.

جدول ۱: شاخص‌های اولیه مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان بر اساس نظر خبرگان (مأخذ: نگارندگان)

شاخص‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان	کدمولفه	شاخص‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان	کد مؤلفه
سهم و میزان آورده غیر نقدی موردنیاز کسب و کار	q1	سهم و میزان آورده نقدی موردنیاز کسب و کار	q2
نظرسنجی از مشاورین باتجربه در کسب و کار دانش‌بنیان	q3	کمک سایر سازمان‌های ذی‌ربط در اکوسیستم دانش‌بنیان	q4
شناسایی سطح ریسک کسب و کارهای دانش‌بنیان	q5	اندازه‌گیری بازده سرمایه‌گذاری	q6
شناخت کافی از اکوسیستم طرح‌های دانش‌بنیان	q7	تعیین استراتژی‌های ورود و خروج به طرح‌های دانش‌بنیان	q8
توجیه‌پذیری اقتصادی طرح‌ها	q9	فرهنگ‌سازی برای سرمایه‌گذاری	q10
انجام مطالعات تطبیقی در کشورهای پیشرفته	q11	بازدید و الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته	q12
ایجاد سبد سرمایه‌گذاری غیرمنقول از سرمایه سازمان	q13	سهیم شدن در اشتغال پایدار و ارتباط با نیروی خلاق	q14
تزریق روحیه نشاط و جوانی و امید به سازمان	q15	حل مشکلات کلان مالی و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان	q16
تولید و صادرات دانش‌بنیان	q17	حفظ نیروهای نخبه و مستعد در کشور	q18
ماهیت کسب و کار (صنایع خلاق- فرهنگی و غیره)	q19	نام و برند کسب و کار (استفاده از نام و افراد مذهبی، متدین)	q20

مشارکت واقفین و ورثه آن‌ها در مدیریت کسب‌وکار جهت نظارت	q21	اخذ نظر مراجع دینی و صاحب‌نظران در تغییر کاربری موقوفات	q22
ارائه مشاوره‌های دینی در هدایت افکار واقفان جهت اشتغال‌زایی	q23	ایجاد رقابت (شرکت‌های بین‌المللی)	q24
اندازه و مقیاس سرمایه‌گذاری	q25	شیوه و شکل سرمایه‌گذاری	q26
میزان شناخت عام نسبت به کسب و کار	q27	اقتضائات زمان و مکان	q28
رقابت‌پذیری نسبت به طرح‌های جایگزین	q29	قوانین صادرات و واردات	q30
قوانین داخلی سازمان اوقاف	q31	تحلیل حساسیت کسب و کار مربوطه	q32
آگاهی مدیران سازمان اوقاف از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری	q33	اختیارات سازمان مدیران در حمایت منافع وقف به‌سوی سرمایه	q34
قوانین مالیاتی در حوزه کسب و کار مربوطه	q35	معاصرسازی قوانین وقف جهت رشد کسب و کارهای دانش‌بنیان	q36
وجود صندوق‌های حمایتی (سرمایه‌گذاری غیرمستقیم)	q37	نگرش مدیران اوقاف از نقش حوزه دانش‌بنیان در خلق ثروت	q38
شرکای قابل‌اعتماد دولتی و نیمه‌دولتی جهت کاهش ریسک	q39	اصلاح ساختار سازمانی در حمایت از سرمایه‌گذاری دانش‌بنیان	q40
جوان‌گرایی و نخبه‌گرایی در بخش مدیران سازمان اوقاف	q41	هماهنگی بین تفکر مدیران اوقاف با سیاست‌های ابلاغی نظام	q42
مسئولیت‌پذیری اجتماعی مدیران اوقاف	q43	فرهنگ‌سازی در سطح جامعه در خصوص اشکال جدید وقف	q44
آشناسازی واقفین بالقوه برای سرمایه‌گذاری‌های دانش‌بنیان	q45	ارتباط و تعامل کارآمد دانشگاه‌ها با دستگاه‌های حوزه وقف	q46

جدول ۲: شاخص‌های اولیه مؤثر بر توسعه اشتغال پایدار بر اساس نظر خبرگان (مأخذ: نگارندگان)

شاخص‌های مؤثر در توسعه اشتغال پایدار	کد مؤلفه	شاخص‌های مؤثر در توسعه اشتغال پایدار	کد مؤلفه
تقویت سرمایه‌گذاری داخلی	c1	تقویت سرمایه‌گذاری خارجی	c2
قوانین تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده هماهنگی بین نهادهای مرتبط	c3	ثبات اقتصادی	c4
پرهیز از شوک‌های اقتصادی	c5	بذرپاشی (seed) تسهیم مناسب مجموعه‌های نوپا	c6
حمایت: ارائه حمایت‌های تکمیلی به مجموعه‌های نوپا	c7	سرمایه‌گذاری در مجموعه‌های نوپا	c8
مشارکت و خرید سهام قبل از عرضه در بورس	c9	قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری داخلی	c10
قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی	c11	آزادسازی: فروش سهام در بورس	c12
توجه به انگیزه‌های مادی و معنوی کارکنان در تمامی مشاغل	c13	قوانین تأمین اجتماعی و کار	c14
تضمین خرید محصول یا خدمات در بازه طولانی توسط دولت	c15	ثبات سیاسی-اقتصادی	c16
الزام دولت به جبران تبعات سیاسی، اقتصادی	c17	راه‌اندازی کارگاه‌های زودبازده	c18
تعامل مناسب با سازمان‌های ذی‌ربط	c19	تسهیل‌گری در پاسخ به تقاضای سرمایه‌گذاری	c20
نرخ تورم (تورم افسارگسیخته)	c21	نرخ بهره بانکی	c22
فرهنگ کار و برنامه‌های فرهنگی دولت	c23	نرخ زادوولد و ترکیب جمعیت	c24
آموزش	c25	رشد صنعت	c26

تدوین برنامه‌های راهبردی-عملیاتی در حوزه کارآفرینی	c27	قوانین مالیاتی بلندمدت	c28
تغییر قوانین گمرکی برای حمایت از تولیدات داخلی	c29	توجه به کرامت کارکنان	c30
استفاده از مدیران جوان و ریسک‌پذیر و مشاوران باتجربه	c31	تنوع تولید در هر کسب و کار	c32
ایجاد زنجیره فعالیت (از تولید تا فروش)	c33	وجود روابط مناسب با تأمین‌کنندگان	c34
حرکت به سمت صنایع فناورانه	c35	ارتقاء بعد کیفی و بهره‌وری سرمایه انسانی	c36
حمایت از صنایع نوپا	c37	ارتقاء آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی	c38
استقرار رویکرد صادرات محور در تولید کالاها و ارائه خدمات	c39	جلوگیری از قاچاق کالا و حذف اقتصاد زیرزمینی	c40
حمایت پله‌ایِ رو به کاهش و هدفمند از صنایع	c41	ایجاد صندوق‌های حمایت از جامعه کارگری	c42
ارتباط اقتصادی با شرکای استراتژیک	c43		

نتایج بررسی راند دوم دلفی

در این مرحله از طریق میانگین حسابی و به‌صورت سختگیرانه گویه‌های با میانگین کمتر از ۳ حذف شدند. در راند دوم تعداد ۲۲ گویه از شاخص‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان، میانگین کمتر از ۳ داشته و حذف گردیدند و همچنین در خصوص شاخص‌های مؤثر بر توسعه اشتغال پایدار تعداد ۱۶ گویه با در نظر گرفتن امتیاز کمتر از ۳ حذف گردیدند. با توجه به نظر خبرگان، پرسشنامه جدید طراحی و به خبرگان ارسال شد (انجام راند سوم دلفی). مطابق مرحله قبل، با جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و بررسی امتیازات داده‌شده، میانگین امتیازات تمامی گویه‌ها محاسبه شد تا چنانچه شاخصی موفق به کسب امتیاز لازم نشده باشد از لیست گویه‌ها حذف گردد. در این مرحله در خصوص شاخص‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان تعداد ۵ گویه و در خصوص شاخص‌های مؤثر بر توسعه اشتغال پایدار تعداد ۹ گویه با کسب میانگین امتیاز کمتر از ۳، حذف گردیدند. پس از انجام سه مرحله از تکنیک دلفی در این گام تعداد ۱۹ شاخص مؤثر در سرمایه‌گذاری اوقاف بر کسب و کارهای دانش‌بنیان و تعداد ۱۸ شاخص مؤثر در توسعه اشتغال پایدار با اجماع نظرات خبرگان شناسایی شدند.

استخراج شاخص‌های نهایی

با استفاده از روش دلفی و نظرسنجی از ۱۷ نفر از خبرگان در خصوص شناسایی شاخص‌های مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان و توسعه اشتغال پایدار شناسایی شد. در این مرحله با استفاده از رویکرد نمودار خویشاوندی (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰) و با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، این شاخص‌ها دسته‌بندی شدند.

جدول ۳: عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان (مأخذ: نتایج تکنیک دلفی، نگارندگان)

عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان و مؤلفه‌های کلیدی آن		عوامل مؤثر بر توسعه اشتغال پایدار و مؤلفه‌های کلیدی آن	
عوامل اقتصادی کسب و کار دانش‌بنیان	سهم و میزان آورده غیر نقدی موردنیاز کسب و کار	عوامل اقتصادی در جهت توسعه اشتغال پایدار	ثبات اقتصادی
	سهم و میزان آورده نقدی موردنیاز کسب و کار		نرخ تورم
	توجیه‌پذیری اقتصادی طرح		نرخ بهره بانکی
	میزان ریسک موفقیت طرح		سرمایه‌گذاری در مجموعه‌های نوپا
	رقابت‌پذیری نسبت به طرح‌های جایگزین		تنوع تولید در هر کسب و کار
عوامل اجتماعی کسب و کار دانش‌بنیان	میزان شناخت عام نسبت به کسب و کار	عوامل قانونی	قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری داخلی
	اقتضائات و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی		قوانین جذب سرمایه‌های خارجی
	فرهنگ‌سازی در مورد مدل‌های جدید وقفی		جلوگیری از قاچاق کالا و اقتصاد زیرزمینی

		اشتغال پایدار	قوانین حمایتی
عوامل قانونی کسب و کار دانش‌بنیان	قوانین مالیاتی	عوامل سیاسی اشتغال پایدار	ثبات سیاسی
	قوانین صادرات و واردات		الزام دولت به جبران تبعات سیاست‌های تجاری
	محدودیت‌های قانونی درون‌سازمانی اوقاف		دیپلماسی اقتصادی-سیاسی دولت با ذینفعان کلیدی
عوامل مدیریتی سازمان اوقاف	آگاهی مدیران از خلق ارزش شرکت‌های دانش‌بنیان	عوامل مدیریتی اشتغال پایدار	آموزش
	جوان‌گرایی در ساختار مدیران اوقاف		مشاوران حرفه‌ای کسب و کار
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی مدیران اوقاف		به‌کارگیری مدیران با تجربه
	ریسک‌پذیری مدیران اوقاف		نیروی کار ماهر
عوامل سازمانی کسب و کارهای دانش‌بنیان	حمایت‌های سایر سازمان‌ها از طرح‌های دانش‌بنیان		برنامه‌ریزی‌های راهبردی در کارآفرینی و صادرات
	تعامل اوقاف با مراکز علمی		هماهنگی بین نهادهای مختلف
	اختیارات حمایتی مدیران اوقاف از طرح‌های دانش‌بنیان		
	ساختار سازمانی		

اجرای تکنیک دیمتل

در گام اول تأثیرگذاری عوامل به‌صورت دو به دو با استفاده از پرسشنامه دیمتل و نظرات ۷ نفر از خبرگان انجام می‌گیرد و درنهایت با گرفتن میانگین حسابی امتیازات داده‌شده از سوی خبرگان، ماتریس M تنظیم می‌شود.

جدول ۴: معرفی عوامل در اجرای تکنیک دیمتل (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

متغیرها	
عوامل اقتصادی مربوط به کسب و کار دانش‌بنیان	C1
عوامل اجتماعی مربوط به کسب و کار دانش‌بنیان	C2
عوامل قانونی در خصوص کسب و کار دانش‌بنیان	C3
عواملی مدیریتی سازمان اوقاف	C4
عوامل سازمانی در خصوص طرح‌های دانش‌بنیان	C5
سرمایه‌گذاری بر کسب و کارهای دانش‌بنیان	C6
عوامل اقتصادی در جهت اشتغال پایدار	C7
عوامل قانونی در جهت اشتغال پایدار	C8
عوامل سیاسی در جهت اشتغال پایدار	C9
عوامل مدیریتی در جهت اشتغال پایدار	C10
توسعه اشتغال پایدار	C11

تشکیل ماتریس M

در جدول زیر میانگین نظرات خبرگان در خصوص مقایسات زوجی عامل‌ها نشان داده شده است. در گام بعد اقدام به نرمال کردن این ماتریس نموده تا شرایط برای به دست آوردن ماتریس ارتباط کلی T مهیا شود.

جدول ۵: تشکیل ماتریس M بزرگ برای عوامل پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

	C۱	C۲	C۳	C۴	C۵	C۶	C۷	C۸	C۹	C۱۰	C۱۱
C۱	۰/۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۳	۲/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۰۰
C۷	۲/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۶۷
C۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۳۳
C۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۰۰
C۱۰	۲/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۳/۳۳
C۱۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

برای نرمال کردن ماتریس فوق جمع سطرها و ستون‌ها محاسبه‌شده و درایه‌های ماتریس به بزرگ‌ترین حاصل جمع تقسیم می‌شود. نتایج حاصل در ماتریس زیر نشان داده شده است.

جدول ٦: ماتریس نرمال شده M (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

	C۱	C۲	C۳	C۴	C۵	C۶	C۷	C۸	C۹	C۱۰	C۱۱
C۱	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۳	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
C۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۴
C۷	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷
C۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵
C۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۴
C۱۰	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵
C۱۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

ماتریس ارتباطات کل (T)

حال برای محاسبه ماتریس کل T با استفاده از فرمول T=M*(I-M)-1 عمل کرده و ماتریس روابط کل را به دست می‌آوریم. در این فرمول I یک ماتریس یکانی است که تمام درایه‌های قطر اصلی آن یک و بقیه درایه‌ها صفر هستند و تعداد سطر و ستون‌های آن برابر با تعداد سطر و ستون‌های ماتریس نرمال شده M است.

ماتریس $(I - M)$

جدول ۷: ماتریس (I – M)

	c۱	c۲	c۳	c۴	c۵	c۶	c۷	c۸	c۹	c۱۰	c۱۱
c۱	۱/۰۰۰۰	−۰/۰۱۵۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
c۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
c۳	−۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
c۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
c۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	−۰/۱۳۶۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
c۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۳۶۴
c۷	−۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۳۶۴	۱/۰۰۰۰	−۰/۰۴۵۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۶۶۷
c۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۵۱۵
c۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۱۳۶۴
c۱۰	−۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	−۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	−۰/۱۵۱۵
c۱۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰

معکوس ماتریس $(I - M)$

جدول ۸: معکوس ماتریس (I – M)

	c۱	c۲	c۳	c۴	c۵	c۶	c۷	c۸	c۹	c۱۰	c۱۱
c۱	۱/۰۰۰۰	۰/۰۱۵۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۸۴۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۵۲
c۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۴۸
c۳	۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۱۴	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۹۸۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۷۱
c۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۸۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۴۸
c۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۱۳۶۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۸۶
c۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۳۶۴
c۷	۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۵۳۱	۱/۰۰۰۰	۰/۰۴۵۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۹۴۴
c۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۵۱۵
c۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۳۶۴
c۱۰	۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۹۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۳۳۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۱۵۶۱
c۱۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰

ماتریس روابط کل (T)

جدول ۹: ماتریس روابط کل (T)

	c1	c2	c3	c4	c5	c6	c7	c8	c9	c10	c11
c1	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
c2	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
c3	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۶
c4	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
c5	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
c6	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۳
c7	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۹
c8	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵
c9	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۳
c10	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵
c11	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

تشکیل نمودار علی و معلولی

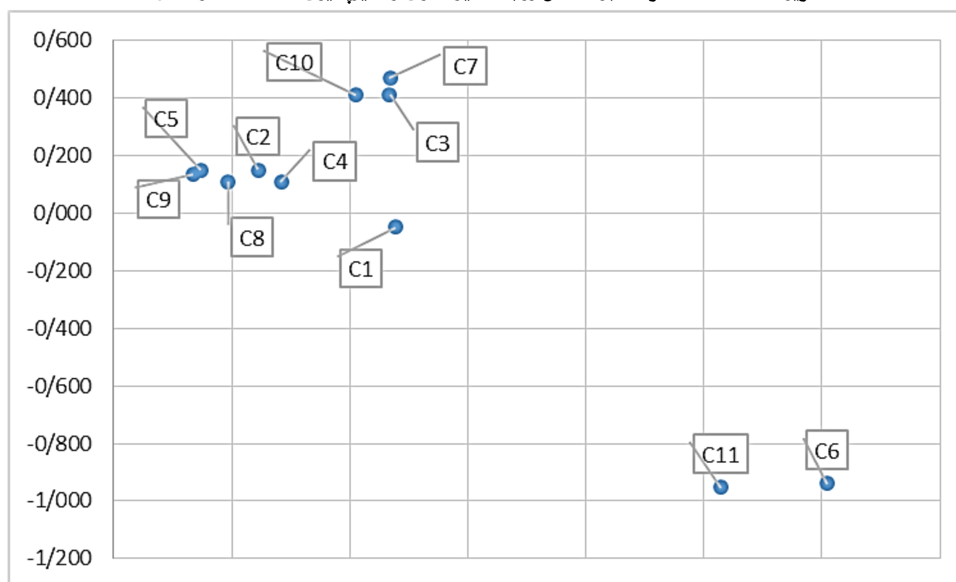
در این گام مجموع سطر (D) و مجموع ستون (R) ماتریس ارتباطات کل را محاسبه کرده و سپس مقادیر D+R و D-R را محاسبه نموده و محور مختصات با مقادیر (D+R,D-R) ایجاد می‌شود.

جدول ۱۰: مشخصات هر عامل بر اساس یافته‌های تکنیک دیمتل (مأخذ: نگارندگان)

	D	R	D+R	D-R
C۱	۰/۲۱۵	۰/۲۶۳	۰/۴۷۸	-۰/۰۴۹
C۲	۰/۱۹۷	۰/۰۴۷	۰/۲۴۵	۰/۱۵۰
C۳	۰/۴۳۹	۰/۰۲۹	۰/۴۶۷	۰/۴۱۰
C۴	۰/۱۹۷	۰/۰۸۷	۰/۲۸۴	۰/۱۱۱
C۵	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸	۰/۱۴۸
C۶	۰/۱۳۵	۱/۰۷۴	۱/۲۱۰	-۰/۹۳۹
C۷	۰/۴۶۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹	۰/۴۶۹
C۸	۰/۱۵۰	۰/۰۴۳	۰/۱۹۴	۰/۱۰۷
C۹	۰/۱۳۵	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵	۰/۱۳۵
C۱۰	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۰	۰/۴۱۰
C۱۱	۰/۰۳۸	۰/۹۹۱	۱/۰۲۹	-۰/۹۵۳

حال می‌توان بر اساس مقادیر مثبت (D-R) عوامل علت و بر اساس مقادیر منفی نیز عوامل معلول را شناسایی نمود.

تصویر ۲: مختصات عوامل بر اساس روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (مأخذ: نگارندگان)



همان‌گونه که مختصات فوق نشان داده شده است دو عامل C6 (سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان) و C11 (توسعه اشتغال پایدار) به‌عنوان عوامل معلول و بقیه عامل‌ها به‌عنوان عوامل علت معرفی می‌شوند.

بررسی معناداری روابط بین متغیرها

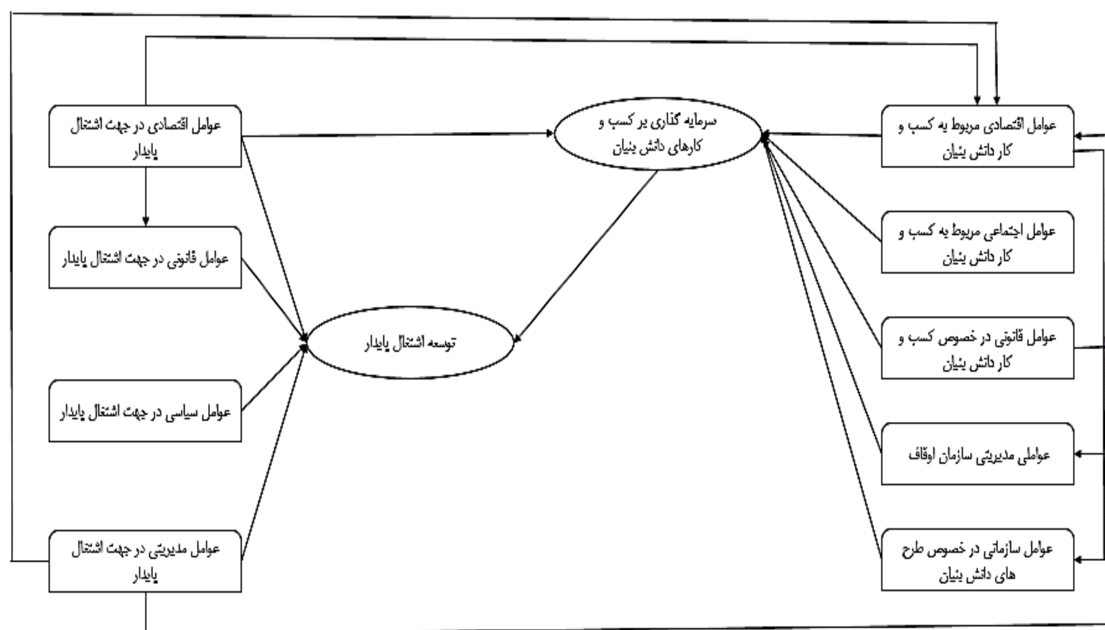
حال با محاسبه مقدار آستانه که بر اساس میانگین مقادیر ماتریس ارتباطات کامل محاسبه می‌شود می‌توان وجود رابطه معنادار بین متغیرها را نشان داد. بر اساس مقادیر ماتریس ارتباطات کامل مقدار آستانه برابر با ۰/۰۳۴۲ بوده و بر این اساس تمام درایه‌هایی که مقداری کمتر از ۰/۰۳۴۲ داشته را صفر قرار داده و درایه‌های با مقادیر بزرگ‌تر از مقدار آستانه در ماتریس باقی می‌مانند.

جدول ۱۱: ماتریس معناداری روابط بین عوامل پژوهش

	c1	c2	c3	c4	c5	c6	c7	c8	c9	c10	c11
C۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
C۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
C۳	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
C۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
C۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
C۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶
C۷	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۴
C۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۲
C۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶
C۱۰	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶
C۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

الگوی زیر مدل به‌دست‌آمده بر اساس نتایج حاصل از تکنیک دیمتل در خصوص روابط بین متغیرهای اثرگذار بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان و اشتغال پایدار را نشان می‌دهد.

تصویر ۳: الگوی روابط بین عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان و اشتغال پایدار (مأخذ: نگارندگان)



جدول ۱۲: مقادیر آماره تی و بارهای عاملی گویه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

گویه	مقدار آماره تی	بارعاملی	نتیجه	گویه	مقدار آماره تی	بارعاملی	نتیجه
q1	۳۲/۸۵۴	۰/۷۹۱	تأیید	q2	۴۰/۷۵۷	۰/۸۲۴	تأیید
q3	۲۳/۹۵۶	۰/۶۸۳	تأیید	q4	۱۷/۸۶۰	۰/۶۳۴	تأیید
q5	۴۶/۷۲۹	۰/۸۲۹	تأیید	q6	۲۲/۹۹۳	۰/۷۱۷	تأیید

گویه	مقدار آماره تی	بارعاملی	نتیجه	گویه	مقدار آماره تی	بارعاملی	نتیجه
q7	۱۸/۴۹۶	۰/۷۳۳	تأیید	q8	۹۹/۳۳۵	۰/۸۹۳	تأیید
q9	۴۳/۱۲۲	۰/۸۸۵	تأیید	q10	۱۵/۷۱۶	۰/۶۸۵	تأیید
q11	۳/۸۹۰	۰/۳۷۳	تأیید	q12	۱۸/۲۳۶	۰/۶۷۳	تأیید
q13	۲۰/۶۷۸	۰/۷۰۵	تأیید	q14	۵۲/۴۵۶	۰/۸۵۶	تأیید
q15	۲۵/۳۰۷	۰/۷۲۹	تأیید	q16	۱۹/۸۰۵	۰/۷۱۰	تأیید
q17	۱۲/۹۱۱	۰/۶۵۳	تأیید	q18	۵۵/۸۷۶	۰/۸۰۸	تأیید
q19	۱۳/۳۴۶	۰/۶۰۵	تأیید	q20	۴۳/۷۹۴	۰/۸۲۰	تأیید
q21	۴/۴۲۵	۰/۴۵۸	تأیید	q22	۵۳/۸۸۳	۰/۸۵۶	تأیید
q23	۷/۷۹۴	۰/۴۷۶	تأیید	q24	۳۵/۲۶۹	۰/۸۲۰	تأیید
q25	۱۸/۴۶۰	۰/۶۹۲	تأیید	q26	۲۲/۹۳۱	۰/۷۱۵	تأیید
q27	۳۱/۲۶۴	۰/۷۶۴	تأیید	q28	۷۶/۲۰۹	۰/۸۷۵	تأیید
q29	۶۱/۶۵۸	۰/۸۹۰	تأیید	q30	۲۵/۲۴۰	۰/۷۶۳	تأیید
q31	۹/۱۴۴	۰/۵۵۱	تأیید	q32	۳۸/۸۳۲	۰/۸۴۹	تأیید
q33	۶/۱۴۳	۰/۴۸۷	تأیید	q34	۲۰/۲۳۳	۰/۷۴۹	تأیید
q35	۵/۴۶۷	۰/۳۵۶	تأیید	q36	۱۸/۰۶۹	۰/۶۷۰	تأیید
q37	۱۶/۶۰۷	۰/۶۶۱	تأیید	q38	۳۱/۲۰۳	۰/۷۴۸	تأیید
q39	۵۸/۱۵۵	۰/۸۶۰	تأیید	q40	۳۳/۳۵۳	۰/۷۸۹	تأیید
q41	۲۵/۱۵۰	۰/۷۴۸	تأیید	q42	۳۱/۳۴۶	۰/۷۷۲	تأیید
q43	۲۲/۴۷۶	۰/۷۵۹	تأیید				

مقادیر اشکال و جدول نشان می‌دهد پرسشنامه از روایی مناسبی برخوردار بوده است لذا از این نظر مدل تحقیق دارای برازش مناسبی است.

ضریب پایایی ترکیبی: برای بررسی همسانی درونی مدل اندازه‌گیری در روش PLS از معیار مدرن‌تری به نام پایایی ترکیبی CR استفاده می‌شود. به عقیده نونالی در ۱۹۷۸ درصورتی‌که مقدار پایایی برای هر سازه بیشتر از ۰/۷ شود، نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری دارد.

روایی همگرا AVE: منظور از شاخص روایی همگرا، سنجش میزان تبیین متغیر پنهان توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر آن است. معیار متوسط واریانس استخراج‌شده AVE توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) به‌عنوان شاخصی برای سنجش اعتبار درونی مدل اندازه‌گیری پیشنهاد شد. به بیان ساده‌تر این شاخص میزان همبستگی یک سازه را با شاخص‌های نشان‌دهنده خود نشان می‌دهد. اگرچه اغلب مقدار ۰/۵ را برای تأیید روایی همگرا پیشنهاد کرده‌اند، اما فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معتقدند AVE کمتر از ۰/۵ به شرطی که ضریب پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۶ باشد قابل‌قبول است و نشان‌دهنده اعتبار پرسشنامه است.

کیفیت مدل اندازه‌گیری Cv Com: کیفیت مدل اندازه‌گیری توسط شاخص اشتراک یا روایی متقاطع محاسبه می‌شود. این شاخص در حقیقت توانایی مدل را در پیش‌بینی مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. چنانچه این شاخص عدد مثبت را نشان دهد، مدل اندازه‌گیری از کیفیت لازم برخوردار است:

جدول ۱۳: مقادیر معیارهای برازش مدل اندازه‌گیری (مأخذ: نگارندگان)

متغیر	پایایی ترکیبی> ۰/۷	روایی همگرا (AVE)	CVCOM>0
عوامل اقتصادی مربوط به کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۸۶۹	۰/۵۷۲	۰/۳۶۳
عوامل فرهنگی-اجتماعی مربوط به کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۸۲۷	۰/۶۱۶	۰/۲۶۷
عوامل قانونی مربوط به کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۷۰۱	۰/۴۶۴	۰/۰۶۴
عوامل مدیریتی سازمان اوقاف	۰/۸۳۱	۰/۵۵۳	۰/۲۷۹
عوامل سازمانی مربوط به کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۷۹۰	۰/۴۸۷	۰/۱۸۶
سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۷۳۸	۰/۵۱۱	۰/۱۳۹
عوامل اقتصادی در جهت اشتغال پایدار	۰/۸۲۶	۰/۴۹۴	۰/۲۶۸
عوامل قانونی در جهت اشتغال پایدار	۰/۸۵۹	۰/۶۱۱	۰/۳۷۲
عوامل سیاسی در جهت اشتغال پایدار	۰/۷۴۶	۰/۵۰۶	۰/۱۱۱
عوامل مدیریتی در جهت اشتغال پایدار	۰/۸۴۵	۰/۴۸۹	۰/۳۱۱
توسعه اشتغال پایدار	۰/۸۰۴	۰/۵۷۸	۰/۱۹۰

شاخص ضریب تعیین R^2: دومین معیار بررسی مدل ساختاری، ضریب تعیین R2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زا (وابسته) در مدل است و نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا است که سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان ملاک مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص در نظر گرفته می‌شوند. هرچه این شاخص بیشتر باشد، نشان از برازش مدل بهتر دارد. وجود متغیرهای مستقل بیشتر موجب افزایش این شاخص می‌شود.

شاخص ارتباط پیش بین Q^2: سومین معیار بررسی مدل ساختاری، Q2 است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌کند. استون[1] (۱۹۷۴) و گیسر[2] (۱۹۷۵) معتقدند مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل‌قبول هستند باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زا مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف‌شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تأثیر کافی بر شاخص‌های دیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به‌درستی تأیید شوند. مقدار Q2 در مورد تمامی سازه‌های درون‌زا، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به‌عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین می‌کند (دکولو و تری ولاس[3]،۲۰۱۴).

نتایج تمامی معیارها و شاخص‌هایی که برای مدل ساختاری به کار می‌رود در جدول زیر داده شده است:

جدول ۱۴: نتایج شاخص‌ها و معیارهای مدل ساختاری (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	متغیر درون‌زا	ضریب تعیین R^2	پیش بین Q^2
۱	سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۸۵۴	۰/۴۱۲
۲	عوامل سازمانی در خصوص کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۶۹۲	۰/۲۹۹
۳	عوامل اقتصادی در خصوص کسب و کارهای دانش‌بنیان	۰/۷۹۶	۰/۴۲۳
۴	عوامل مدیریتی سازمان اوقاف	۰/۶۷۰	۰/۳۵۲

1. Stone
2 .Geiser
3. Dekoulou & Trivellas,

۵	اشتغال پایدار	۰/۸۹۶	۰/۴۸۷

با توجه به مقادیر جدول‌های ۱۰-۴ می‌توان گفت که شاخص‌های ضریب تعیین R2 و شاخص ارتباط پیش بین Q2 در حد مناسب و قابل‌قبول بوده و مناسبت مدل‌های ساختاری را به نمایش گذاشته است.

برازش کلی مدل

برخی محققان تلاش کرده‌اند شاخصی را برای بررسی برازش مدل ارائه دهند که محقق را از سنجش تک‌تک شاخص‌ها بی‌نیاز گرداند. این شاخص که با gof نشان داده می‌شود برازش کلی مدل نام دارد. در همین راستا تنن هاوس و همکاران (۲۰۰۵) فرمولی را برای محاسبه این شاخص معرفی نمودند. فرمول ایشان از آن جهت که مقادیر ضریب تعیین و روایی همگرا را با هم در خود جای داده است مورد استقبال محققان زیادی قرار گرفته است. فرمول تنن هاوس و همکاران (۲۰۰۵) عبارت‌اند از:

$$GOF = \sqrt{\text{Average}(\text{Cummunity} * \text{R}^2)}$$

مقدار این شاخص عددی بین صفر و یک بوده و هرچه این عدد به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده برازش بهتر و اعتبار بیشتر مدل است. معمولاً حداقل آن را ۰/۳۵ در نظر می‌گیرند. جدول زیر برازش کلی مدل را برای مدل مفهومی تحقیق جاری نشان می‌دهد:

جدول ۱۵: برازش کلی مدل (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نام شاخص	نماد	مقدار	نتیجه
۱	میانگین ضریب تعیین	R square	۰/۷۸۱	قابل‌قبول
۲	میانگین شاخص‌های افزونگی	Cummunity	۰/۵۳۴	قابل‌قبول
۳	برازش کلی مدل	gof	۰/٦۴۵	قابل‌قبول

مطابق اعداد درج‌شده در جدول، برازش کلی مدل نیز قابل‌قبول می‌شود.

روابط بین متغیرها

پس از بررسی مناسب بودن برازش مدل و تأیید روایی عامل‌ها، باید معنادار بودن روابط بین متغیرهای پنهان و یا عدم آن را بررسی گردد. برای این امر می‌بایست آماره تی (t) را در مورد هر رابطه به دست آورده و سپس نسبت به معنادار بودن و یا عدم آن اظهارنظر صورت گیرد. رابطه هنگامی معنادار است که قدر مطلق آماره تی از ۱/۹۶ بزرگ‌تر باشد. همچنین با بررسی ضرایب مسیر متغیرها می‌توان نسبت به میزان اثر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته اظهارنظر کرد.

جدول ١٦: نتایج مربوط به روابط بین متغیرها در مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	فرضیه	مقدار آماره t	ضریب مسیر	نتیجه
۱	سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان --> توسعه اشتغال پایدار	۵/۹۴۰	۰/۲۴۵	تأیید
۲	عوامل اجتماعی – فرهنگی مربوط به کسب و کارهای دانش‌بنیان --> سرمایه‌گذاری	۵/۰۴۵	۰/۲۲۳	تأیید
۳	عوامل اقتصادی اشتغال پایدار--> اشتغال پایدار	۲/۲۳۱	۰/۰٦۱	تأیید
۴	عوامل اقتصادی اشتغال پایدار--> سرمایه‌گذاری	۳/۴۲۵	۰/۱٦٦	تأیید
۵	عوامل اقتصادی اشتغال پایدار--> عوامل اقتصادی کسب و کارهای دانش‌بنیان	۲/۷۵۰	۰/۱۱۳	تأیید
٦	عوامل اقتصادی کسب و کارهای دانش‌بنیان --> سرمایه‌گذاری	۴/۴٦٦	۰/۲۳۹	تأیید
۷	عوامل اقتصادی کسب و کارهای دانش‌بنیان --> عوامل سازمانی کسب و کارهای دانش‌بنیان	۸۳/۵۰۵	۰/۸۳۲	تأیید
۸	عوامل سازمانی کسب و کارهای دانش‌بنیان--> سرمایه‌گذاری	۴/۰۷۳	۰/۱۴٦	تأیید
۹	عوامل سیاسی --> اشتغال پایدار	۸/٦۰۴	۰/۲۵۴	تأیید

ردیف	فرضیه	مقدار آماره t	ضریب مسیر	نتیجه
۱۰	عوامل قانونی اشتغال پایدار --> اشتغال پایدار	۶/۰۱۳	۰/۲۰۱	تأیید
۱۱	عوامل قانونی کسب و کارهای دانش‌بنیان--> سرمایه‌گذاری	۳/۸۵۶	۰/۱۴۵	تأیید
۱۲	عوامل قانونی کسب و کارهای دانش‌بنیان--> عوامل اقتصادی کسب و کارهای دانش‌بنیان	۷/۷۰۷	۰/۳۲۰	تأیید
۱۳	عوامل مدیریتی اشتغال پایدار --> اشتغال پایدار	۷/۰۱۵	۰/۳۲۸	تأیید
۱۴	عوامل مدیریتی اشتغال پایدار --> عوامل اقتصادی کسب و کار دانش‌بنیان	۱۳/۳۰۹	۰/۵۴۲	تأیید
۱۵	عوامل مدیریتی اشتغال پایدار --> عوامل مدیریتی سازمان اوقاف	۴۷/۱۲۸	۰/۸۱۹	تأیید
۱۶	عوامل مدیریتی سازمان اوقاف--> سرمایه‌گذاری	۱/۹۸۱	۰/۱۰۶	تأیید

نتیجه‌گیری

ازجمله مواردی که در حوزه وقف می‌تواند به اشتغال پایدار منجر شود، سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان است. بر این اساس، سازمان اوقاف برای ایجاد اشتغال پایدار می‌بایست بخشی از درآمد موقوفات را در کسب و کارهای دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری کند. از این‌رو، دو متغیر اشتغال پایدار و سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان، به‌عنوان دو متغیر وابسته و نهایی مطرح شده است. عواملی که بر سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان اثرگذار است، اغلب به درون سازمان و یا مرتبط با کسب و کار است که به فضای خرد مربوط و عوامل مؤثر بر اشتغال پایدار بیشتر معطوف به فضای کلان اقتصاد است. به‌عنوان نمونه در سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان، عوامل قانونی مؤثر است که به کسب و کار مربوط است، درحالی‌که عوامل قانونی اثرگذار بر اشتغال پایدار به قوانین و جنبه‌های عمومی‌تر اقتصاد مانند قوانین حمایتی با صادرات و واردات اشاره دارد.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، ارائه الگو بر اساس نظر خبرگان و سپس آزمودن مدل در دنیای واقعی (سازمان اوقاف) مشخص شد از میان عوامل مؤثر بر اشتغال پایدار، عوامل مدیریتی در جهت اشتغال پایدار از همه بااهمیت‌تر است. پس از آن عوامل سیاسی که مربوطه به عوامل زمینه است تأثیر زیادی دارد و به دنبال آن سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان اثری نسبی در توسعه اشتغال پایدار دارد. از میان عوامل مذکور، عوامل مدیریتی در جهت اشتغال پایدار، اثر غیرمستقیمی بر سرمایه‌گذاری موقوفات در کسب و کارهای دانش‌بنیان نیز دارد. عوامل مدیریتی کلان با تحت تأثیر قرار دادن عوامل مدیریتی سازمان اوقاف و عوامل اقتصادی مرتبط با کسب و کار دانش‌بنیان نقش بسزایی در تخصیص موقوفات به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان دارد. درواقع بیشتر بحث پیرامون این چند عامل و اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. مطابق یافته‌های عوامل مدیریتی در جهت اشتغال پایدار که مواردی مانند آموزش، مشاوران حرفه‌ای به‌کارگیری مدیران باتجربه و هماهنگی بین نهادها را شامل می‌شود، در سطح بالا می‌توان بر نصب مدیران جوان و پر ریسک، توجیه‌پذیری طرح‌های اقتصادی و آگاهی بخشی به مدیران بسیار اثرگذار باشد. به‌عنوان چند نمونه، آموزش مدیران کنونی سازمان درباره آیین‌نامه‌ها و حدود اختیارات آنان و بیان تصویر درستی از کسب و کارهای دانش‌بنیان که بازگوکننده اهمیت، ضرورت و جایگاه این کسب و کارها در اقتصاد جهانی و کشور باشد، می‌تواند سطح آگاهی مدیران را بهبود بخشدو متعاقباً این موضوع قدرت ریسک مدیران را افزایش خواهد داد، زیرا ریسک ارتباط معکوسی با دانش دارد. بنابراین، هرچه دانش و آگاهی مدیران افزایش یابد، به همین میزان از نظر آن‌ها ریسک سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، در این بین مدیران می‌توانند ساختار سازمانی را به‌گونه‌ای تغییر دهند که نتیجه آن حمایت از کسب و کارهای دانش‌بنیان باشد. از طرف دیگر با برنامه‌ریزی‌های مناسب می‌توانند فرهنگ و دید عمومی نسبت به وقف را با آگاهی از شرایط جدید به‌نوعی تغییر دهند که واقفین تمایل بیشتری داشته باشند تا وقف را به‌صورت کلی انجام داده و از بیان تخصیص منابع موقوفات به موارد خاص صرفه‌جویی نمایند. در این بین برخی قوانین عمومی (کلان) و قوانین داخلی (آیین‌نامه‌ها)

می‌تواند بسیار در پیشبرد اهداف مؤثر باشد. بدین ترتیب سازمان اوقاف می‌تواند بخش زیادی از موقوفات را به کسب و کارهای دانش‌بنیان اختصاص دهد که در ادامه به اشتغال پایدار منجر می‌گردد. همان‌گونه که در این فرایند مشاهده شد، یک شاخص آموزش چگونه می‌تواند بر کل عوامل و روندها و قوانین اثرگذار باشد، به همین ترتیب می‌توان مسیرهایی را تصور نمود که با مدیران باتجربه و ارائه راهبردهای اساسی آغاز و به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان و نهایت اشتغال پایدار ختم شود. در کنار این موارد، برخی عوامل محیطی و زمینه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و عوامل اجتماعی به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و شناخت عام مربوط است. بهبود این عامل می‌تواند مدیران را در تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری ترغیب نماید و متعاقباً عدم مهیا بودن شرایط فرهنگی ممکن است مدیران را به دلیل صرف انرژی برای توجیه افکار عمومی با تردید تصمیم‌گیری مواجه سازد.

عوامل سیاسی یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای مؤثر و بااهمیت بر اشتغال پایدار است. مواردی مانند ثبات سیاسی، الزامات دولت به جبران تبعات سیاست‌های تجاری و دیپلماسی‌های اقتصادی-سیاسی می‌تواند شرایط اشتغال پایدار را تغییر دهد. به‌طورکلی یکی از ملزومات پایداری اشتغال، ثبات است. ثبات چه از جنبه سیاسی و چه از منظر اقتصادی امر مهمی است. جمله‌ای مصطلح که «سرمایه ترسو است» ناظر به این امر است. هرگونه عدم ثبات و تغییر شرایط محیطی سرمایه‌گذار چه در بخش دولتی و چه خصوصی را در تصمیم‌گیری مردد خواهد نمود، زیرا عدم ثبات به‌طور ذاتی ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش خواهد داد، در چنین شرایطی شاید مدیران تصمیم بگیرند صرفاً در کسب و کارهایی سرمایه‌گذاری کنند که نیازمند آورده غیرنقدی بوده و یا حمایت سایر ارگان‌ها را نیز داشته باشند. به‌این‌ترتیب، مدیران برای مشکلات احتمالی، تنها نخواهند بود. همچنین عدم ثبات بخصوص در سطح کلان اقتصادی، منجر به قوانین اقتصادی در سطح خرد خواهد شد که عامل اقتصادی مرتبط به کسب و کار دانش‌بنیان یکی از عوامل اصلی در سرمایه‌گذاری موقوفات در این حوزه است. یکی دیگر از موضوعاتی که می‌شود راجع به آن بحث نمود، تأثیر عوامل اثرگذار بر سرمایه‌گذاری کسب و کارهای دانش‌بنیان بر اشتغال پایدار است. مطابق یافته‌های پژوهش، تأثیر این عوامل از طریق سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان است، بدین معنی که این عوامل زمانی می‌تواند بر اشتغال پایدار اثر داشته باشند که منجر به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان شوند، در غیر آن به‌صورت مستقیم تأثیری بر اشتغال پایدار نخواهند داشت. به‌عنوان نمونه اگر ساختار سازمانی اوقاف و جوانگرایی (عوامل مدیریتی سازمان اوقاف) یا قوانین مالیاتی و صادرات واردات (عوامل قانونی مرتبط با کسب و کار دانش‌بنیان) به‌نوعی تغییر یابند که سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای دانش‌بنیان را افزایش دهند، می‌توان گفت در اشتغال پایدار نیز مؤثر هستند، در غیر این صورت ممکن است منتج به مواردی غیر از اشتغال پایدار باشند. بدین ترتیب ضروری است هرگونه تغییر در این‌گونه عوامل با در نظر گرفتن اثرات آن‌ها بر ترغیب به سرمایه‌گذاری اوقاف در کسب و کارهای دانش‌بنیان باشد. به‌عبارت‌دیگر این موارد می‌بایست پیش از انجام، منطبق بر هدف‌گذاری مشخص باشد.

فهرست منابع

۱. پاداش، حمید؛ و همکاران. (۱۳۹٦). «تأثیر محیط نهادي بر اقتصاد دانش‌بنیان». ***پژوهشنامه اقتصادي***. (شماره ٦۴)، ۱۹۸-۱۷۱.

۲. جمشیدی، علیرضا؛ و همکاران. (۱۳۹۸). «راهکارهای توسعه اشتغال دانش‌بنیان در کشور بر اساس روش داده بنیاد». ***نظریه‌های کاربردی اقتصاد***. (شماره ۴)، ۱۰۸-۸۵.

۳. آذری، علیرضا. (۱۳۹٦)، «نقش وقف علم و فناوری در تقویت ساخت درونی کشور؛ رابطه وقف، درخت علم و شرکت‌های دانش‌بنیان». ***مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری***. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. اکبری نوری، حنانه؛ و معصومه سلطانی. (۱۳۹٦). «ظرفیت وقف در توسعه پایدار نظام آموزشی: مدارس وقفی». ***مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۵. ***برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران*** (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی).

٦. ثقفی، فاطمه؛ و حسین افتخاری. (١٣٩٦). «تبیین مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل موفقیت تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی (موردمطالعه: پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات». ***مدیریت فردا***. (شماره ١٦)، ٢٢-١.

٧. درخشان، مرتضی؛ و خدیجه نصراللهی. (١٣٩٣). «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران». ***اقتصاد اسلامی***. (شماره ٥٥)، ٨٨-٦١.

٨. ***وقف علم و فناوری***. (١٣٩٥). دفتر همکاری های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی.

٩. جهانیان، ناصر. (١٣٩٥). «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم». ***اقتصاد اسلامی***. (شماره ٦٢)، ١٠٦-٧٩.

١٠. جهانیان، ناصر. (١٣٩٠). «مبانی، اهداف و جایگاه وقف در مکتب اقتصادی اسلام». ***اقتصاد اسلامی***. (شماره ٤٢)، ١١٦-٨٧.

١١. حسینی مقدم، محمد. (١٣٩٦). «روندهای جهانی، چشم‌اندازها، راهبردها و آموزه‌های ملی وقف علمی». ***مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

١٢. حیدری، محمدرضا، و مرتضی درخشان. (١٣٩٥). «تحلیل کارکردهای بخش سوم (امور خیر و نیکوکاری) در توسعه اقتصادی و اشتغال». ***مجموعه مقالات اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)***. تهران: بنیاد خیریه راهبری.

١٣. سجادی، سید احمد. (١٣٩٣). «آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران، فقه و اصول ١». ***وقف میراث جاویدان***. (شماره ٨٥)، ٥١-٨.

١٤. سالمی، رضا؛ و عبدالنبی خطیبی عقدا. (١٣٩٢). «بررسی چالش‌های تجاری‌سازی فناوری از دیدگاه شرکت‌کنندگان در هشتمین نمایشگاه اختراعات کشور». سیاست نامه علم و فناوری. (شماره ٢: پیاپی ١١)، 87-77.

١٥. شاطری، مفید؛ و راضیه آرزومندان. (١٣٩١). «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دورهٔ صفوی تا عصر حاضر (مطالعهٔ موردی: شهرستان‌های بیرجند، در میان، سربیشه». ***زن در فرهنگ و هنر***. (شماره ٤)، ٢٣-٥.

١٦. صفایی پور، مسعود؛ و همکاران. (١٣٩٣). «بررسي تأثير وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز؛ مطالعه موردی: منطقه يك» ***پژوهش و برنامه‌ریزی شهری***. (شماره ١٦)، ١٠٤-٨٩.

١٧. صیامیان گرجی، زهیر. (١٣٩٦).«وقف: میراثی از گذشته، سرمایه‌ای برای آینده: چالش‌های سیاست‌گذاری پژوهشی در برقراری ربط وقف و علم و فناوری در کشور». ***مجموعه مقالات اولین همایش وقف علم و فناوری***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

١٨. کائینی، محمدرضا. (١٣٩١). «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی». ***فقه و اصول (وقف میراث جاویدان)***، ٨٠-٧٩.

١٩. ***کمیته یاوران وقف علم و فناوری***. (١٣٩٦)، دبیرخانه وقف علم و فناوری خراسان رضوی.

٢٠. محمودپور، بختیار؛ و همکاران. (١٣٩١). «بازشناسی چالش‌های فراروی تجاری‌سازی پژوهش‌های مدیریت آموزشي با ارائه نظريه زمينه‌ای». ***رهیافتی نو در مدیریت آموزشی***. (شماره ٣)، ٢٥-١.

٢١. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ و همکاران. (١٣٩٠). «وقف به‌مثابه منبع تأمین مالی خرد اسلامی، ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور». ***پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی***. (شماره ٥)، ١٣٠-٩١.

٢٢. مهدی نژاد، جمال‌الدین؛ و مهین مقیمی. (١٣٩٦). «بررسی تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس در ایران دورهٔ اسلامی». ***نقش جهان***. (شماره ٧)، ٥٧-٤٩.

٢٣. میرهاشمی، زهرا سادات؛ محمد سرهنگیان. (١٣٩٣). «امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری‌سازی دانش و فناوری و الگوی پیشنهادی آن». ***سیاست‌های مالی و اقتصادی***. (شماره ٨)، ٨٢-٦٣.

٢٤. نریمانی، میثم. (١٣٩٦). «بررسی مسائل و مشکلات تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان». ***سیاستنامه علم و فناوری***. (شماره ٧)، ١٥-١٣.

٢٥. نصرالهی، خدیجه؛ و منصور عبدلی سبحانی. (١٣٩٣). «عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در تأمین مالی

خدمات شهری از طریق بخش سوم، وقف (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». ***مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای***. (شماره ۲۳)، ۹۶-۷۵.

۲۶. ***نقشه جامع علم و فناوری کشور***. (۱۳۸۹) شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۴.

۲۷. ***وقف علم و فناوری***. (۱۳۹۵) دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی. دبیرخانه کمیته یاوران وقف علم و فناوری.

۲۸. یداللهی فارسی، جهانگیر؛ و زهرا کلاتهایی. (۱۳۹۱).«جایگاه تجاری‌سازی در مدیریت نوآوری و معرفی مدل‌های تجاری‌سازی در حوزهٔ صنایع پیشرفته». ***رشد فناوری***. (شماره ۳۲)، ۳۶-۲۶.

29. Andreoni, J; and A.A. Payne. (2013). "Charitable giving". ***Handbook of public economics***. (vol 5), 1-50.

30. Andreoni, J. (2015). ***The economics of philanthropy and fundraising***. Edward Elgar Pub. Limited.

31. Carayannis, E. G. (2018). MCDA in knowledge-based economies: Methodological developments and real world applications. Technological Forecasting and Social Change, 131, 1-3..

32. Carlucci, D. (2014). Grasping knowledge-based value creation dynamics in 21st century organizations. *Measuring Business Excellence*..

33. Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. Journal of marketing research, (vol 18), 39-50.

34. Leydesdorff, L. (2006). ***The knowledge-based economy: Modeled, measured, simulated***. Universal-Publishers.

35. Etzkowitz, H; and L. Leydesdorff. (2000). "The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university–industry–government relations". ***Research policy***. (vol 29), 109-123.

36. van Oort, F. G., Oud, J. H., & Raspe, O. (2009). The urban knowledge economy and employment growth: a spatial structural equation modeling approach. The Annals of Regional Science, (vol 43), 859.

37. Tenenhaus, M. (2005). "PLS path modeling". ***Computational Statistics and Data Analysis***. (vol 48), 159-205.